

فرازهای ذیل از سخنان مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) در مورد اقتصاد مقاومتی

۱- «خوشبختانه امروز با اتفاق نظری که مسئولان محترم دولت، هم رئیس جمهور محترم، هم وزرای مربوط، هم رؤسای دو قوهی دیگر، روی مسئلهی اقتصاد مقاومتی کردند - که جای تقدیر و تشکر دارد از اینها؛ یعنی واقعاً استقبال کردند از این فکر؛ که البته خود آنها هم در مجمع تشخیص، در مشورت‌دهی به این مسئله سهیم بودند، شریک بودند، بحث کردند روی این مسئله - خود این اتفاق نظر، نشان‌دهندهی این است که این تحریمی که اینها ظالمانه و از روی بغض و عداوت و نفرت بر ملت ایران تحمیل کردند، اثری نخواهد داشت و ان شاءالله این اقتصاد مقاومتی فائق خواهد آمد بر ترفندهای آنها.»

بیانات معظم له در جلسه ۹۲/۱۲/۱۵ در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان

۲- «مجموعه‌ی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است.»

«باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود.»

«مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان‌سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد.»

«کار بزرگی شروع شده، این کار بزرگ را ما می‌توانیم ان شاءالله با همت، با توکل به خدای متعال، قدم به قدم، با شتاب متناسب و لازم پیش ببریم.»

بیانات معظم له در جلسه‌ی ۹۲/۱۲/۲۰ در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

۳- «در باب حماسه‌ی اقتصادی کاری که باید انجام بگیرد و توقع بود که اتفاق بیفتد، اتفاق نیفتاد. تلاش‌هایی انجام گرفت که مورد سپاس است، ولی کار بزرگی که باید در زمینه‌ی حماسه‌ی اقتصادی انجام بگیرد، همچنان در پیش روی ما است و ما موظفیم که این حماسه را به وجود بیاوریم. مسئله‌ی اساسی اقتصاد برای کشور ما و ملت ما یک مسئله‌ی مهم است؛ در اواخر سال ۹۲ بحمدالله یک زیرساخت فکری و نظری برای حماسه‌ی اقتصادی به وجود آمد؛ سیاست‌های «اقتصاد مقاومتی» اعلام شد و زمینه آماده است برای اینکه ان شاءالله تلاش لازم در این باب انجام بگیرد.»

بیانات معظم له در پیام نوروزی سال ۱۳۹۳

۴- اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی، با تکان‌های جهانی، با سیاست‌های آمریکا و غیر آمریکا زیرورو نمیشود؛ اقتصادی است متکی به مردم.

سه سؤال در مورد اقتصاد مقاومتی که در حقیقت اقتصاد مقاوم است، وجود دارد؛ من این سه سؤال را مطرح میکنم.

سؤال اول این است که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟ خصوصیات مثبت آن و خصوصیات منفی و سلبی آن چیست؟

سؤال دوم: آیا اقتصاد مقاومتی که داریم شعار آن را میدهیم، تحقق‌پذیر است، ممکن است، یا نه، خیالات خام است؟

سؤال سوم: اگر تحقق اقتصاد مقاومتی ممکن است، الزامات آن چیست، چه کارهایی باید انجام بگیرد؟

سؤال اول: گفتیم که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست. اولاً یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است — این آن جنبه‌ی مثبت — اما منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجه به این تکان‌های اجتماعی و زیروروشدن‌های اقتصادی‌ای که در این

بیست سی سال گذشته اتفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اول اینکه این حرکتی که ما داریم انجام می‌دهیم، دغدغهی دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست.

دوم اینکه گفتیم این اقتصاد درون‌زا است. درون‌زا است یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیتهای خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است. اما درعین حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زا است، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین درون‌زا است، اما درون‌گرا نیست. اینها را که عرض می‌کنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها الان قلمها و زبانها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که [القا کنند] «بله، اینها میخواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند». انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملت را و مسئولان را از این راه - که راه سعادت است - جدا بکنند دارند می‌کنند. من عرض می‌کنم تا برای افکار عمومی مان روشن باشد.

سوم اینکه این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا میکند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به عنوان یک مسئول عمومی - نظارت میکند، هدایت میکند، کمک میکند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک میکند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل میکند.

چهارم، گفتیم این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفتهای علمی استفاده میکند، به پیشرفتهای علمی تکیه میکند، اقتصاد را بر محور علم قرار میدهد؛ اما معنای آن این نیست که این

اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان میتوانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نخیر، تجربه‌ها و مهارت‌ها - تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارت‌ند - میتواند اثر بگذارد و میتواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته میشود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربه‌ی صنعتگر یا کشاورز که در طول سال‌های متمادی کارهای بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ نخیر، نقش بسیار مهمی هم به عهده‌ی اینها است.

پنجم، این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمیکند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخصهای جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده میکنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا میرود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی میمیرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخصهای علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخصها هم توجه میشود، اما بر محور «عدالت» هم کار میشود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.

ششم، در اینکه گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است شکی نیست، اما معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است - که یک مقداری از آن مربوط به تحریم است، یک مقداری از آن مثلاً مربوط به غلط بودن فلان برنامه است - نه، این مال همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک میکند. این سؤال اول. سؤال دوم این بود که آیا این برنامه‌ی اقتصادی که شما می‌گویید اقتصاد مقاومتی، یک امر خیالی و توهمی است و آرزو دارید که انجام بگیرد؛ یا نه، عملاً ممکن است؟ پاسخ این است که نخیر، کاملاً، عملاً، حتماً ممکن است؛ چرا؟ به خاطر ظرفیتهای؛ چون این کشور، دارای ظرفیتهای فوق‌العاده است.

من حالا چند قلم از ظرفیتهای کشور را عرض میکنم. اینها چیزهایی است که آمارهای عجیب و غریب لازم ندارد، جلوی چشم همه است، همه می بینند.

یکی از ظرفیتهای مهم ما، ظرفیت نیروی انسانی ما است. نیروی انسانی در کشور ما، یکی از بزرگترین ظرفیتهای کشور ما است؛ این یک فرصت بزرگ است. عرض کردیم، جمعیت جوان کشور — از پانزده سال تا سی سال — یک حجم عظیم از ملت ما را تشکیل میدهند؛ این خودش یک ظرفیت است. تعداد ده میلیون دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌ها را داریم؛ ده میلیون از جوانهای ما در طول این سالها از دانشگاهها فارغ‌التحصیل شدند. همین حالا بیش از چهار میلیون دانشجو داریم که اینها در طول چند سال آینده فارغ‌التحصیل میشوند؛ جوانان عزیز بدانند، این چهار میلیونی که میگوییم، ۲۵ برابر تعداد دانشجو در پایان رژیم طاغوت است؛ جمعیت کشور نسبت به آن موقع شده دو برابر، اما تعداد دانشجو نسبت به آن موقع شده ۲۵ برابر؛ امروز ما این تعداد دانشجو و فارغ‌التحصیل داریم. علاوه‌ی بر اینها، میلیونها نیروی مجرب و ماهر داریم. ببینید، همین‌هایی که در دوران جنگ به داد نیروهای مسلح ما رسیدند. در دوران جنگ تحمیلی، یکی از مشکلات ما، از کار افتادن دستگاه‌های ما، بمباران شدن مراکز گوناگون ما، تهدیدست ماندن نیروهای ما از وسایل لازم — مثل وسایل حمل و نقل و این چیزها — بود. یک عده افراد صنعتگر، ماهر، مجرب، راه افتادند از تهران و شهرستانها — که بنده در اوایل جنگ خودم شاهد بودم، اینها را میدیدم؛ اخیراً هم بحمدالله توفیق پیدا کردیم، یک جماعتی از اینها آمدند؛ آن روز جوان بودند، حالا سنی از آنها گذشته، اما همان انگیزه و همان شور در آنها هست — رفتند داخل میدانهای جنگ، در صفوف مقدم، بعضی‌هایشان هم شهید شدند؛ تعمیرات کردند، ساخت‌وساز کردند، ساخت‌وسازهای صنعتی؛ این پلهای عجیب‌وغریبی که در جنگ به درد نیروهای مسلح ما خورد، امکانات فراوان، خودرو، جاده، امثال اینها، به‌وسیله‌ی همین نیروهای مجرب و ماهر به‌وجود آمد؛ امروز هم هستند، امروز هم در

کشور ما الی ماشاءالله؛ تحصیل کرده نیستند، اما تجربه و مهارتی دارند که گاهی از تحصیل کرده‌ها هم بسیار بیشتر و بهتر و مفیدتر است؛ این هم یکی از امکانات نیروهای ما است؛ هم در کشاورزی این را داریم، هم در صنعت داریم.

یکی از ظرفیتهای مهم کشور ما منابع طبیعی است. من سال گذشته در همین جا راجع به نفت و گاز گفتم که مجموع نفت و گاز ما در دنیا درجه‌ی یک است؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا به قدر ایران، بر روی هم نفت و گاز ندارد. مجموع نفت و گاز ما از همه‌ی کشورهای دنیا — شرق و غرب عالم — بیشتر است. امسال که من دارم با شما حرف میزنم، کشفیاتی در مورد گاز شده است که نشان میدهد که از آن مقداری که سال گذشته در آمارهای ما بود، از آن مقدار هم منابع گازی ما و ذخیره‌های گازی ما افزایش پیدا کرده است؛ این وضع نفت و گاز ما است. بیشترین ذخیره‌ی منابع انرژی — که همه‌ی دنیا روشنی خود، گرمای خود، صنعت خود، رونق خود را از انرژی دارد، از نفت و گاز دارد — در کشور ما است. علاوه‌ی بر این، معادن طلا و معادن فلزات کمیاب در سرتاسر این کشور پراکنده است و وجود دارد. سنگ آهن، سنگهای قیمتی، انواع و اقسام فلزهای لازم و اساسی — که مادر صنایع محسوب میشوند — در کشور وجود دارد؛ این هم یک ظرفیت بزرگی است.

ظرفیت دیگر موقعیت جغرافیایی ما است؛ ما با پانزده کشور همسایه هستیم که اینها رفت و آمد دارند. حمل و نقل ترانزیت یکی از فرصتهای بزرگ کشورها است؛ این برای کشور ما هست و در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آبهای محدود منتهی میشود. در این همسایه‌های ما، در حدود ۳۷۰ میلیون جمعیت زندگی میکنند که این مقدار ارتباطات و همسایه‌ها، برای رونق اقتصادی یک کشور یک فرصت بسیار بزرگی است. این علاوه بر بازار داخلی خود ما است؛ یک بازار ۷۵ میلیونی که برای هر اقتصادی، یک چنین بازاری بازار مهمی است.

یک ظرفیت دیگری که در کشور وجود دارد، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است؛

نرم‌افزاری مثل این سیاست‌های اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سد و پل و کارخانه و امثال اینها؛ اینها زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور است، اینها ظرفیتهای یک کشور است.

خب، ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیتهای میتوانستید خوب استفاده کنید، اما [چون] تحریم هست نمیتوانید از این ظرفیتهای استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم. در مورد دانشهای پیشرفته و روز، الان هم درهای مراکز علمی مهم بروز دنیا به روی دانشمندان ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، اما در عین حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلولهای بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهپاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این سر صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موفقیت به دست آوردیم، در اقتصاد هم اگر عزممان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، میتوانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشممان به دست دشمن نباشد که کی این تحریم را بر میدارد، کی فلان نقطه را موافقت میکند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه کار میتوانیم بکنیم.

سؤال سوم را مطرح کنم و جواب بدهم. سؤال سوم این بود که برای اینکه این کار بزرگ، اقتصاد

مقاومتی، تحقق پیدا کند، الزامات چیست و چه کارهایی باید انجام بگیرد؟

خلاصه عرض میکنیم: اولاً مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. تولید ملی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید

ملی باید رونق پیدا کند.

دوم، صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، آنها هم بایستی به تولید ملی اهمیت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره‌وری را افزایش بدهند. بهره‌وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حداکثر استفاده‌ی بهینه بشود؛ کارگر که کار میکند، کار را با دقت انجام بدهد؛ رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه، این معنای بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام میدهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری میکند، سعی کند حداکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب میشود هزینه‌ی تولید برود بالا، بهره‌وری سرمایه و کار کم بشود.

سوم، صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت‌های دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند — کم یا زیاد — و میتوانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند میخواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزو بهترین کارها است؛ کسانی که دارای سرمایه هستند — چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون — آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند.

بعدی، مردم در همه‌ی سطوح، تولید ملی را ترویج کنند. یعنی چه؟ یعنی همین مطلبی که من دو سه سال قبل از این، در همین جا با اصرار فراوان گفتم، یک عده‌ای هم از مردم خوشبختانه عمل کردند، اما همه باید عمل کنند و آن عبارت است از «مصرف تولیدات داخلی».

عزیزان من! شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید میکنید به جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به اینکه ابتکار خودش را بیاورد میدان؛ جنس داخلی که

مصرف شد، آن‌کننده‌ی کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روزبه‌روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف میکنید، ثروت ملی را افزایش داده‌اید.

در گذشته، در دوران طاغوت، ترجیح مصرف خارجی به عنوان یک سنت بود؛ سراغ جنس که می‌رفتند، [می‌پرسیدند] داخلی است یا خارجی؟ اگر خارجی بود، بیشتر به آن رغبت داشتند؛ این باید برگردد و به عکس بشود. نمی‌گوییم خرید جنس خارجی حرام است، اما عرض می‌کنیم خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاوم‌سازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تأثیر می‌گذارد. باید به این توجه کرد؛ این نقش همه‌ی مردم است. البته در اینجا هم مثل خیلی جاهای دیگر، مسئولیت مسئولان و مدیران کشور از دیگران بیشتر است؛ بسیاری از زیاده‌روی‌ها و ریخت‌وپاش‌ها در رفتار مردم، به خاطر نگاه کردن به رفتار آن کسانی است که آنها را "بزرگ‌ترها" میدانند؛ اگر اسراف در بین سطوح بالا نباشد، در بین مردم هم اسراف کم خواهد شد. بنابراین ترجیح تولید داخلی یکی از کارها است.

من این بخش را جمع بندی کنم. من عرض می‌کنم: اقتصاد مقاومتی به معنای مقاوم ساختن پایه‌های اقتصاد، یکی از وظایف عمومی امروز ما است و همه می‌توانند در آن نقش ایفا کنند، هم مسئولین و مسئولین قوای سه‌گانه، هم آحاد مردم، هم کسانی که دارای مهارت کارند، هم کسانی که دارای سرمایه‌اند، هم صاحب‌نظران. البته آنچه که ما عرض کردیم، خلاصه‌ای بود از آنچه باید گفت؛ به عهده‌ی صاحب‌نظران است که تفصیلات اینها را عرض بکنند.

بیانات معظم له در سخنرانی اول سال ۹۳ در حرم رضوی